

بررسی چگونگی آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان اول ابتدایی

عنایت سالاریان^۱، سیدرضا صالحی امیری^۲، محمد سلطانی‌فر^۳، عباسعلی قیومی^۴

عطاءالله ابطحی^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

چکیده

پیشرفت‌های فناوری اطلاعات باعث جهت‌گیری به سمت استفاده‌ی بیش‌تر از آن توسط افراد شده است. از آن‌جا که دانش‌آموزان بهترین فرصت را در مدارس برای یادگیری علم در کنار همسالان خود دارند، به همین دلیل، آموزش سواد رسانه‌ای توسط نظام آموزش و پرورش برای این گروه به‌ویژه دوره‌های ابتدایی تأثیر ویژه‌ای از نظر اثربخشی و نهادینه‌شدن در جامعه ایفا می‌کند. بدین ترتیب با توجه به اهمیت سواد رسانه‌ای برای کودکان همچنین به‌علت وجود خلاء پژوهشی در این حوزه، موضوع "بررسی چگونگی آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان اول ابتدایی" در این پژوهش مورد کنکاش قرار گرفت.

^۱ دانشجوی دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، گروه مدیریت امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
talaiesabz@yahoo.com

^۲ دانشیار مدیریت دولتی، گروه مدیریت امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده‌ی مسؤل)
dr.salehiamiri@gmail.com

^۳ دانشیار علوم ارتباطات، گروه مدیریت امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
msoltanifar@yahoo.com

^۴ دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، گروه مدیریت امور فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
A_ghaiyoomi@iau-tnb.ac.ir

^۵ استادیار مدیریت رسانه، گروه مدیریت امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
aoa.sepehr4@gmail.com

روش تحقیق پژوهش، کیفی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا و ماتریس SWOT داده‌ها بررسی و یافته‌های پژوهش، چگونگی آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان ابتدایی را نشان داد که؛ استفاده از روش رویکرد تلفیقی در کتاب‌های درسی سال اول ابتدایی (نه تعریف یک واحد درسی جداگانه برای سواد رسانه‌ای)، همچنین سیستم آموزش و پرورش باید با استفاده از روش‌های نوین آموزشی، تکنولوژی-های آموزشی، استفاده‌ی شبکه‌های اجتماعی، تشکیل کارگاه‌های آموزشی، شرکت‌دادن دانش‌آموزان در بحث و تبادل نظر در زمینه نقد رسانه و دیگر عوامل شناسایی‌شده، ماهیت رسانه و لزوم یادگیری سواد رسانه‌ای را با دانش‌آموزان القا کنند.

واژه‌های کلیدی: مفهوم‌سازی؛ آموزش؛ سواد رسانه‌ای؛ کودکان؛ اول ابتدایی؛ دانش‌آموزان

مقدمه

در هر عصری ماهیت تعلیم و تربیت، شکلی جدید به خود می‌گیرد، چراکه انسان، محیط و ابزارهای مورد نیازش ذاتاً پویا و تغییرپذیرند. از این رو بشر برای آن‌که بتواند در تعاملات اجتماعی مؤثر عمل کرده و کیفیت زندگی بالایی را در ابعاد فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و... تجربه کند، باید آموزه‌های جدیدی را همگام با تغییرات محیطی پذیرا باشد. در چند دهه‌ی گذشته مفهوم "سواد" تنها معطوف به خواندن و نوشتن بود.

اما امروزه تعریف سواد، ابعاد گسترده‌تری را شامل می‌شود؛ زیرا ماهیت زندگی بشر دگرگون شده و پای در مسیر جدیدی همچون؛ تجربه‌ی ارتباط خود با ابزارهای هوشمند و تکنولوژیک گذاشته است. از این رو برای آن‌که انسان امروز بتواند در جبر تکنولوژیک عصر حاضر، توانمند عمل کند، لازم است بر آموختن سوادهایی همچون سواد اطلاعاتی، سواد بصری، سواد کسب و کار، سواد رسانه‌ای و همت گمارد.

با توجه به عنوان مقاله‌ی حاضر ما در تلاشیم تا در این پژوهش موضوع "سواد رسانه‌ای" را در رده‌ی سنی کودکان (ابتدایی) مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم که آموزش این مهارت برای کودکان باید دارای چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی باشد و چگونه کودکان می‌توانند در ایجاد تغییر اجتماعی مثبت فعالیت کنند و عکس‌العمل خود را در برابر رسانه‌ها اعلام نمایند و تنها بیننده‌ی صرف نباشند. در نهایت باید بدانیم تعمیم اهداف سواد رسانه‌ای در گرو داشتن نگاهی دقیق، عمیق و تفکری منتقدانه در جهت انتخاب صحیح گزینه‌های رسانه‌ای است.

بیان مسأله

هم‌زمان با دسترسی روزافزون افراد جامعه به ابزارهای نوین ارتباطی (هوشمند)، افزایش پهنای باند اینترنت و به تبع آن استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به شکلی گسترده؛ شاهد ظهور ناهنجاری‌ها و پدیده‌های منفی ناشی از رواج این ابزارهای رسانه‌ای همچون سوء استفاده‌های سیاسی، فرهنگی، مالی، احساسی، خبری و ... هستیم که نه تنها بزرگسالان را تهدید می‌کند بلکه خطری برای گروه‌های سنی کودکان نیز هست. از این رو اخیراً محققان و صاحب‌نظران موضوع "سواد رسانه‌ای" را به‌عنوان راه حلی برای پیش‌گیری و کاهش خطرات ناهنجاری‌های رسانه‌ها بالاخص شبکه‌های اجتماعی مطرح کرده‌اند.

پستمن^۱ در کتاب «افول دوران کودکی» تأثیر مخرب رسانه‌ها را بر کودکان یادآور شده، بیان می‌دارد که رسانه‌های جمعی جایگزین پدر و مادر در تربیت فرزندان می‌شوند بدون این‌که تفاوتی برای کودکان و بزرگسالان در محتوای برنامه‌های این رسانه‌ها باشد. کودکان به همان محتوایی دسترسی دارند که بزرگسالان دارند. کشتار، خشونت، سکس و سایر عوامل آسیب اجتماعی در معرض کودک قرار دارد (پستمن، ۱۳۹۵: ۴۵). بنابراین آموزش سواد رسانه‌ای برای فهم کاربرد رسانه‌ها و چگونگی استفاده‌ی آن‌ها به‌منظور واکسینه کردن کودکان از این آسیب‌ها ضروری است. پرورش مهارت‌های کودکان از طریق مدارس صورت می‌گیرد و بر اساس رویکرد مهارت-محوری^۲ نیاز است آموزش و پرورش کشور ما نسبت به توسعه‌ی سواد رسانه‌ای که بر اساس آن-چه گفته شد از مهارت‌های ضروری برای کودکان در عصر ارتباطات است، اقدامی مؤثر بردارد. در این بین دانش‌آموزان اول ابتدایی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار هستند؛ چراکه این دانش‌آموزان برای اولین بار وارد محیطی مستقل از خانواده می‌شوند که به‌شدت در معرض عوامل تربیتی محیطی و تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرند. بنابراین در تحقیق حاضر مسأله این است که چگونه آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان اول ابتدایی مفهوم‌سازی گردد و در همین راستا ضرورت‌ها و نیازهای آموزشی چیست؟

¹ Postman

² Skill base

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات داخلی

شجاعی و امیرپور (۱۳۹۱) پژوهشی تحت عنوان "بررسی وضعیت سواد رسانه‌ای دانشجویان خراسان شمالی در جامعه‌ی اطلاعاتی" انجام دادند. این پژوهش نیز از نوع پیمایشی بوده است: جامعه‌ی آماری، دانشجویان دانشگاه‌های خراسان شمالی؛ ابزار مورد استفاده‌ی پژوهش‌گران پرسش‌نامه و آزمون‌های مورد استفاده‌ی ضریب همبستگی اسپیرمن و تفاوت میانگین‌ها بود. نتایج نشان داد که دانشجویان خراسان شمالی از لحاظ سطح سواد رسانه‌ای در حد متوسطی هستند.

سلیمان، خسروی و حداد (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی سواد رسانه‌ای دانشجویان دانش‌آموزان شهر تهران انجام دادند. روش پژوهش آن‌ها پیمایشی و ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه بود. نتایج نشان داد در شرایطی که درک دانش‌آموزان از هدف سواد رسانه‌ای بیش‌تر معطوف به "درک موقعیت‌های موجود در رسانه" بوده، نگرش دانشجویان استدلال‌نقدانه، ارزیابی عملکرد، توانایی‌گزینش، انتخاب و دستیابی به موقعیت پیشرو" عنوان شده است. نتایج پژوهش وجود رابطه‌ی معنادار میان سن و جنس با میزان سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان و دانشجویان را نیز نشان می‌دهد. همچنین رابطه‌ی بین میزان تحصیلات و سواد رسانه‌ای در بین دانشجویان معنادار است؛ ولی در بین دانش‌آموزان معنادار نیست.

شبیری (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "آموزش سواد رسانه‌ای در فضای مجازی" به راهنمایی دکتر علیرضا حسینی پاکدهی، به مطالعه‌ی وبسایت ایرانی سواد رسانه‌ای و مدیا اسمارت کانادا پرداخته است. بنا به نتایج پژوهش وی، وبسایت سواد رسانه‌ای در ایران، تنها وبسایت فارسی‌زبان است که ادعای آموزش سواد رسانه‌ای در فضای مجازی را دارد. انتشار مطالب در آن با درج تاریخ صورت نمی‌گیرد. همچنین کارشناسان این وبسایت، نیمی از محتوای آموزشی آن را تولید می‌کنند و ۴۱ / ۷ درصد محتوای آن، بازنشر مطالب تولیدشده توسط سایر منابع خارجی است. این در حالی است که کارشناسان وبسایت کانادایی ۸۲ درصد از محتوای آموزشی را تولید می‌کنند. ضمن آن‌که دسترسی و استفاده از محتوای سایت ایرانی دشوارتر است.

مرادی و زارع زوارکی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان "کاربرد آموزشی فناوری چندرسانه‌ای در حیطه‌ی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان اتیسم" انجام دادند. نتایج نشان داد که در مدارس ویژه-ی کودکان استثنایی، برنامه‌های آموزشی و پرورشی رایج، بیش‌تر بر بعد مهارت‌های تحصیلی و آموزشی تأکید می‌ورزند و وقت و هزینه‌ی کم‌تری صرف آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان و

دانش‌آموزان استثنایی می‌شود و در نتیجه کودکان در کسب مهارت‌های اجتماعی با برخی کمبودها مواجه‌اند.

مطالعات خارجی

کالور و جاکوبسون^۱ (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان سواد رسانه‌ای و استفاده از آن به‌عنوان یک روش تشویق انتخاب شهروندی، نشان دادند: فناوری‌ها، هدف نهایی نیستند. با وجود این استفاده از فناوری‌های جدید، در بین همه‌ی افراد جامعه آموزش داده شود و استفاده‌ی مؤثر از این رسانه‌ها نیازمند داشتن سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی است.

پاند گرگ^۲ (۲۰۱۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود در دانشگاه گانزاگا " در رشته‌ی مطالعات ارتباطات، نقش آموزش سواد رسانه‌ای را در بهبود سواد اطلاعاتی بررسی کرد. در این پژوهش سواد رسانه‌ای به‌عنوان متغیر مستقل و سواد اطلاعاتی به‌عنوان متغیر خدبوابسته معرفی شده است. بر پایه‌ی نتایج تحقیق، همبستگی ضعیفی بین سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی وجود دارد. محقق با اشاره به این نتیجه، لزوم انجام پژوهش‌های دیگر را پیشنهاد کرده است.

مبانی نظری پژوهش

سواد رسانه‌ای

جهان امروز جهان به‌شدت رسانه‌ای شده است که بشر را از هر سو احاطه کرده و در این فضا، سرعت بالای انتقال داده و اطلاعات، علاوه بر ایجاد سرگرمی، جذابیت و فریبندگی بر زندگی همه سایه افکنده است. در چنین جبر تکنولوژیک و جریان اطلاعاتی، سواد رسانه‌ای می‌تواند ما را از سردرگمی و هیجان کاذب رها کرده و استفاده‌ی صحیح از رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی را به ما بیاموزد. سواد رسانه‌ای به ما شیوه‌ی صحیح انتخاب، درک و انتقال پیام‌های رسانه‌ای را می‌آموزد. بدین ترتیب می‌توانیم پیام‌های پنهان رسانه‌ای را تجزیه و تحلیل کرده و با ذهنی نقاد با آن‌ها مواجه شویم.

این فرآیند مستلزم دستیابی به سطح معقولی از مهارت‌ها و دانشی است که بر پایه‌ی آن بتوان رابطه‌ی فعال‌تری در ارتباط با رسانه‌ها در پیش گرفت و از حالت رابطه‌ی انفعالی و یک‌سویه با

¹ Culver & Jacobson

² Pondgreg

رسانه‌ها خارج شد. سواد رسانه‌ای این امکان را می‌دهد تا با افزایش آگاهی مخاطبان به چارچوب‌های شناختی و انتقادی برسیم و نگاه نقادانه‌ای به رسانه‌ها و اخبار اطلاعات منتشر شده از سوی آن‌ها داشته باشیم. به عبارت دیگر سواد رسانه‌ای را می‌توان قدرت مخاطب در تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌های مختلف همراه با نگاه انتقادی به محتوای آن‌ها دانست. در واقع می‌توان گفت سواد رسانه‌ای شناخت عمیقی از آنچه در فضاهای رسانه‌ای می‌گذرد به ما می‌دهد (طلوعی، ۱۳۹۱: ۱).

سواد رسانه‌ای به ما یاد می‌دهد که ویژگی‌ها و مشخصات منحصر به فرد هر رسانه را بشناسیم و رابطه‌ی آن را با محتوای پیام بفهمیم. انتخاب رسانه‌ی مناسب برای انتقال یک پیام خاص بر نفوذ و اعتبار هر چه بیش‌تر پیام می‌افزاید. سواد رسانه‌ای ما را قادر می‌سازد نه فقط به محتوای پیام، بلکه به شکل و چگونگی آن نیز توجه داشته باشیم. در مجموع، می‌توان سواد رسانه‌ای را این‌گونه تعریف کرد: «سواد رسانه‌ای عبارت است از توانایی دسترسی، استفاده، تحلیل، ارزیابی و تولید پیام‌ها در قالب‌های متنوع رسانه‌ای اعم از چاپی و غیر چاپی» (باهنر و چابکی، ۱۳۹۳: ۶).

هدف اساسی رویکرد استفاده و خشنودی، تحقیق در چگونگی انتخاب، دریافت و شیوه عکس العمل مخاطبان رسانه‌ها است و فرضیه کلیدی این رویکرد آن است که مخاطب، انتخابی را که از میان رسانه‌ها و محتواهای مختلف به عمل می‌آورد، آگاهانه و براساس انگیزه است. (شجاعی و امیرپور؛ ۱۳۹۱).

سواد رسانه‌ای از منظر اندیشمندان

آرت سیلوربلت^۱ پنج مؤلفه برای تعریف سواد رسانه‌ای بیان می‌کنند.

- ۱- به دنبال آگاهی از اثرات رسانه‌ای بر فرد و جامعه باشیم.
- ۲- در این فرایند جمعی که بین فرستنده و مخاطب نوعی تعادل متقابل ایجاد می‌شود، چه نوع فهم و درکی ایجاد می‌شود.
- ۳- بحث و مطالعه در حوزه‌ی توسعه راهبردهای تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای به سوی مخاطب.

^۱ Art silberblatt

۴- محتوای برنامه‌های تولیدشده‌ی رسانه‌ها به‌مثابه یک متن، چه نوع بیش‌ی نسبت به رسانه در جامعه و در دوره‌ی فرهنگ معاصر خود ایجاد می‌کند.

۵- سواد رسانه‌ای در رسانه‌های جمعی با تربیت و ترویج نوعی لذت، فهم و درک، امتنان و ارزیابی محتوایی همراه است (سلطانی‌فر، ۱۳۸۷: ۸).

الیزابت تامن و همکارانش، سواد رسانه‌ای مانند فیلتری دآوری کننده است، به این معنا که جهان متراکم از پیام است، باید این پیام‌ها از لایه‌های فیلتر سواد رسانه‌ای عبور کنند تا شکل موجه و معنادار به خود گیرد.

بنابراین پیام رسانه‌های جمعی بر اساس سواد رسانه‌ای در سه لایه عمل می‌کند: «لایه اول: اهمیت برنامه‌ریزی شخصی در شیوه استفاده از رسانه‌ها به این معنا که مخاطب به انتخاب و تماشای انواع گوناگون برنامه‌ها توجه بیشتری دارد و به‌صورت مشخصی از تلویزیون، ویدئو، بازی‌های الکترونیکی، فیلم‌ها و دیگر رسانه‌ها استفاده می‌کند و میزان مصرف را کاهش می‌دهد.

لایه دوم، در این سطح، مخاطب به جنبه‌های نامحسوس‌تر رسانه توجه دارد و به پرسش‌ها و موضوع‌های عمیقی مانند چه کسی از ارسال پیام سود می‌برد و چه کسی ضرر می‌کند، می‌پردازد. لایه سوم: این لایه مهارت‌های لازم برای تماشای انتقادی رسانه‌ها را ارائه می‌دهد. مخاطب با این مهارت‌ها به تجزیه، تحلیل و پرسش درباره چارچوب ساخت پیام و جنبه‌های جا افتاده در آن می‌پردازد (هاشمی‌نژاد ابرسی، ۱۳۹۵: ۳۳)

سواد رسانه‌ای از منظر نهادها

سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست که ما به‌طور فعالانه برای قرارگرفتن در معرض رسانه از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنیم تا معنای پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شویم تفسیر کنیم (پاتر^۱، ۱۳۸۵: ۱۷). میثاق سواد رسانه‌ای، این مفهوم را این‌گونه تعریف می‌کند: توانایی دستیابی، تجزیه و تحلیل، نقد، ارزیابی و ایجاد ارتباط به گونه‌های مختلف.

در اروپا، تعبیری که در دهه ۱۹۹۰ از سواد رسانه‌ای پدیدار شد و پنج عنصر دسترسی استفاده، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ایجاد ارتباط را شامل می‌شد در بیشتر پیشینه‌های علمی و سیاست‌گذاری

^۱ Potter

به چشم می‌خورد. این اواخر، کمیسیون اروپا تعریفی از سواد رسانه‌ای ارائه کرده که اعضای گروه متخصصان سواد رسانه‌ای اتحادیه اروپایی آن را اعتبارسنجی و تأیید کرده‌اند: سواد رسانه‌ای یعنی توانایی دسترسی، استفاده، تجزیه و تحلیل و ارزیابی قدرت تصاویر، صداها و پیام‌هایی که در جهان کنونی به صورت روزانه با آن‌ها مواجه می‌شویم و بخش انکارناپذیری از فرهنگ معاصر ما را تشکیل می‌دهند؛ همچنین توانایی ایجاد ارتباط مؤثر با رسانه‌هایی که افراد به آن‌ها دسترسی دارند. سواد رسانه‌ای به همگی رسانه‌ها از جمله تلویزیون، فیلم، رادیو، موسیقی، رسانه‌های چاپی (مکتوب)، اینترنت و دیگر فناوری‌های ارتباطی دیجیتالی نوین مرتبط می‌شود. هدف از سواد رسانه‌ای ارتقای آگاهی از گونه‌های فراوان پیام‌های رسانه‌ای است که در زندگی روزانه با آن‌ها مواجه هستیم.

هدف آموزش سواد رسانه‌ای

آموزش سواد رسانه‌ای سبب پیدایش عادت پرسش‌گری، تحقیق و پژوهش، تقویت مهارت‌های بیانی به منظور برقراری ارتباطی آگاهانه و متفکرانه با رسانه، و ایجاد نگاه دقیق و تحلیل منتقدانه نسبت به پیام‌های رسانه‌ای می‌شود. با این دیدگاه سواد رسانه‌ای به گونه‌ای هدفمند و نقادانه، ضمن ایجاد ارتباط دوسویه و تعاملی، حوزه آموزش را با تحولی جدی و جدید مواجه می‌سازد. آموزش سواد رسانه‌ای به دانش آموزان اهداف متعددی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. ایجاد تفکر خلاقانه، انتقادی و موشکافانه در دانش آموزان نسبت به محتوا و عملکرد رسانه‌ها.

۲. شناخت شکل‌های بصری ارتباط با استفاده از سواد رسانه‌ای، در کنار سایر مهارت‌های خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن.

در میان انواع مخاطبین رسانه‌ها، کودکان و نوجوانان بیشتر از همه تحت تأثیر رسانه‌ها قرار دارند. به دلیل تمایل کودکان برای تخیل‌سازی، جهان واقعی و روزمره با جهان رسانه‌ای برای آنان فرقی نمی‌کند و از این جهت با دیگر مخاطبان رسانه‌ها متفاوتند؛ نباید فراموش کرد رسانه در جامعه‌پذیر کردن کودکان نقش به‌سزایی دارد. به همین خاطر سواد رسانه‌ای، مهارتی است که لازم است دانش‌آموزان در کنار استفاده از رسانه‌ها و به خصوص اینترنت و فضاهای مجازی به عنوان یک رسانه تعاملی، به آن مجهز شوند (صلواتیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۳).

آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به عنوان یادگیری مادام‌العمر مطرح شده است. به همین دلیل، آموزش آن در کشورهای مختلف، در تمامی مقاطع تحصیلی انجام می‌شود (کرمی نامیوندی، ۱۳۹۵: ۵).

جایگاه سواد رسانه‌ای در نظام آموزش کشور

با پیشرفت رسانه‌های جدید ارتباطی از قبیل اینترنت در تکمیل مبحث سواد رسانه‌ای، مباحث جدیدی از جمله سواد دیجیتال و سواد اینترنتی مطرح شده‌اند. شهروندان تنها با فراگیری سواد دیجیتال است که می‌توانند استفاده مناسبی از تکنولوژی‌های جدید دیجیتال داشته باشند. این سواد شامل اطلاعات آغازین درباره قابلیت‌ها، فرصت‌ها و روش به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید و آسیب‌های احتمالی و نحوه مقابله با آن‌هاست. لزوم فراگیری سواد دیجیتال در استفاده از وبسایت‌های شبکه اجتماعی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۶-۳)

از این رو آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان و دانشجویان اهداف متعددی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- ایجاد تفکر خلاقانه، انتقادی و موشکافانه در دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به محتوا و عملکرد رسانه‌ها ۲- شناخت اشکال بصری ارتباط با استفاده از آن در کنار سایر مهارت‌های خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن. حتی خود رسانه‌ها به خصوص روزنامه‌ها نیز با توجه به جغرافیای مخاطبان خود می‌توانند مفاهیم مرتبط با سواد رسانه‌ای را منعکس کنند. متأسفانه امروزه نه تنها این موضوع در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد بلکه حتی در رشته ارتباطات هم کم‌توجهی شده این در حالی است که کشورهای پیشرفته برای بالا بردن سواد رسانه‌ای در جامعه اهمیت ویژه‌ای برای نسل جوان قائل می‌شوند و آن‌ها را از سنین پایین آموزش می‌دهند. سطح نه‌چندان مطلوب سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴) در دنیای رسانه‌های امروزی، به‌عنوان دغدغه جدی در نظام آموزشی کشور مطرح است.

در سال‌های گذشته از طرف مسئولین کشورمان صحبت‌های در این زمینه مطرح شد اما هیچ‌گاه جنبه عملی به خود نیافت و در حد شعار باقی ماند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۸۵ در گزارشی ضمن انتقاد از وضعیت آموزش سواد رسانه‌ای در کشورمان اعلام کرد که ایران با وجود دارا بودن شرایط خاص درونی و بیرونی چون رشد شهرنشینی، گسترش

تحصیلات عالی، افزایش جمعیت جوان و فعالیت هدفمند گروه‌های برانداز، اقدام مؤثری در زمینه سواد رسانه‌ای انجام نداده است.

دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش خود با عنوان «سواد رسانه‌ای، رویکردی نوین به نظارت رسانه‌ای»، پیشنهادهایی برای توسعه سواد رسانه‌ای در کشور در سه بخش راهکارهای سیاسی، تقنینی و اجرایی اعلام کرد. بر اساس اعلام مرکز پژوهش‌ها، در بخش راهکارهای سیاسی، تحقیقات و مطالعات تطبیقی برای ارایه الگوی مطلوب ممکن، وارد کردن سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی رسمی کشور، آموزش این که خشونت در دنیای حقیقی عواقب شدیدی به دنبال دارد، ایفای نقش دیدبانی و نظارت داریم بر توسعه سواد رسانه‌ای و ارزشیابی منسجم و همه‌جانبه برای فراهم کردن مستندات مربوط به اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای در کشور ضرورت دارد. این مرکز در زمینه راهکارهای تقنینی نیز نگاه قانون‌گذارانه به سواد رسانه‌ای به‌عنوان یک ابزار نظارتی و دفاعی در برابر پروژه‌های ارتباطی هدفمند و اختصاص ردیف‌های بودجه‌ای به آموزش سواد رسانه‌ای در قوانین بودجه سال‌های آینده را توصیه کرد. اما هنوز اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است.

در گزارش مرکز پژوهش‌ها تصریح شده است که اکنون سواد رسانه‌ای به‌عنوان یکی از کارآمدترین ابزارهای نظارتی مورد توجه کشورهای پیشرفته قرار گرفته است و با عملیاتی کردن آن دانش نه تنها فرهنگ ایرانی - اسلامی تقویت می‌شود بلکه بخشی از حقوق مخاطب نیز تأمین خواهد شد. در این بین تهیه و تنظیم کتاب‌های درسی مناسب و برنامه‌های دیداری - شنیداری قابل دسترسی، به‌کارگیری مشاوران خبره و متخصص در امور سواد رسانه‌ای توسط مدارس، تشکیل و راه‌اندازی تشکل‌های غیردولتی سواد رسانه‌ای متشکل از معلمان مدارس، استادان و پژوهشگران دانشگاهی و نیز کارگزاران و دست‌اندرکاران صنعت رسانه‌ای کشور و هماهنگی و مشارکت میان نهادهای آموزشی رسمی و غیررسمی کشور نظیر رسانه، مدرسه و خانواده در این زمینه، راه‌اندازی واحد درسی در خصوص سواد رسانه‌ای برای دانشجویان دانشگاه‌ها به خصوص برای رشته‌های مرتبط با رسانه‌ها نظیر روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، مطالعات فرهنگی؛ مطالعات انتقادی در دانشگاه‌های کشور می‌تواند مثمر ثمر واقع شود. (صفایی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۵)

اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان و نوجوانان

رسانه‌ها در دنیای معاصر تغییرات مهمی در سیاست، تعلیم و تربیت، بازیابی، اخبار و فرهنگ توده در زندگی اجتماعی و خانوادگی ایجاد کرده‌اند و شرایط محیط خانه محل رجوع برای کسب اطلاعات و سرگرمی و نوع اطلاعات و سرگرمی را که به آسانی در مدرسه و خانه حاصل می‌شود تغییر داده‌اند (سلطانی فر، ۱۳۸۵: ۲۹).

امروزه رسانه‌ها نه تنها برنامه‌های سرگرم‌کننده بلکه برنامه‌های خبری، تجاری، آموزشی نیز ارائه می‌کنند که این برنامه‌ها با انتخاب دقیق پیام‌ها از سوی سازندگان و با استفاده‌ی ماهرانه از تکنولوژی برای انتقال پیام‌ها در قالب جالب و تأثیرگذار ارائه می‌شوند. همه‌جا بودن و واقع‌گرایی و ساخته‌وپرداخته‌بودن محتوای رسانه‌ها بیانگر آن است که رسانه‌ها می‌توانند در زندگی مدرن امروزی بسیار سودمند و زیان‌بخش باشند. در واقع ما با وسایلی سروکار داریم که عملاً هر فرد حداکثر اوقات خود را صرف آن می‌کند، آن را دوست دارند و به آن اعتماد می‌کنند. رسانه‌ها به همان اندازه که می‌توانند در آگاه‌سازی و ترغیب و الهام‌بخشی احساس مخاطبان خود مؤثر باشند، به همان میزان گمراه‌کننده هستند.

در هر حال سواد رسانه‌ای، قصد هوشیارسازی و اختیار بخشی به مخاطب را دارد. در چنین عصری، این مهارت‌ها، پایه و اساس آینده‌ی جامعه‌ی آگاه را تشکیل می‌دهد و باعث تقویت و قدرتمند شدن ساختارهای دموکراتیک جامعه می‌شود. اگر مهارت‌های زیادی داشته باشیم اما نتوانیم اطلاعات و آگاهی خودمان را طبقه‌بندی و در جای مناسب از آن‌ها استفاده کنیم، نمی‌توانیم نظرات خود را در سطح وسیع و گسترده‌ای از پیام رسانه‌ها که ما را از هر سو محاصره کرده‌اند، عرضه کنیم که همه‌ی این‌ها ناشی از محدودیت دانش و نامتعادل بودن آگاهی ما از رسانه‌ها است (شکرخواه ۱۳۸۵، ۸).

یکی از دلایل اصلی عدم آشنایی دانش آموزان با مقوله سواد رسانه‌ای، نبود آموزش در مدارس است. آموزش سواد رسانه‌ای به دانش آموزان سبب خواهد شد تا آن‌ها بتوانند بهتر و هدفمندتر از رسانه‌ها استفاده کنند و به مخاطبانی فعال در مصرف رسانه‌ها تبدیل شوند (محمودی کوکنده، ۱۳۹۰: ۷).

نظریه‌ی سواد رسانه‌ای

نظریه‌ی سواد رسانه‌ای تامن^۱

بر اساس نظر تامن سواد رسانه‌ای یک واژه‌ی کلی است که سه مرحله‌ی پیوستاری را شامل می‌شود که منجر به توانمندسازی سواد رسانه‌ای می‌گردد.

مرحله‌ی اول: اهمیت برنامه‌ریزی شخصی در نحوه‌ی استفاده از رسانه‌ها (رژیم مصرف رسانه‌ای) است. به این معنا که مخاطب توجه بیش‌تری به انتخاب و تماشای انواع مختلف برنامه‌ها دارد و به‌صورت مشخصی به استفاده از تلویزیون، ویدیو، بازی‌های الکترونیکی، فیلم‌ها و دیگر رسانه‌ها می‌پردازد و میزان مدت زمان مصرف را کاهش می‌دهد.

مرحله‌ی دوم: این مرحله، یادگیری مهارت‌های ویژه‌ی تماشای انتقادی، یادگیری با هدف تحلیل و پرسیدن این سوال که این قالب چگونه ساخته شده است و چه چیزهایی ممکن است حذف شده باشند را شامل می‌شود. مهارت‌های تماشای انتقادی، بهترین کاوش علمی برای فعالیت‌های گروهی یا کلاسی در آموزش سواد رسانه‌ای در خصوص آفرینش پیام‌های رسانه‌ای هستند.

مرحله‌ی سوم: در این مرحله، مخاطب به جنبه‌های نامحسوس‌تر رسانه‌ای توجه می‌کند و مخاطب به پرسش‌ها و موضوع‌های عمیقی مانند چه کسی پیام‌های رسانه‌ای را می‌سازد؟ چه هدفی با فرستادن پیام دنبال می‌شود؟ چه کسی از ارسال پیام سود می‌برد و چه کسی ضرر می‌کند؟ و... می‌پردازد. آن‌چه در این لایه اهمیت دارد، شناخت حقایق و جنبه‌هایی از پیام است که حذف شده است. به‌عبارت‌دیگر، فهم متن از سوی مخاطب، در گرو شناسایی ابعاد جا افتاده‌ی پیام است.

این بعد از سواد رسانه‌ای به اندازه‌ای اهمیت دارد که هابز^۲ از آن با عنوان "فهم سطح بالاتر" یاد می‌کند. از نظر هابز این جنبه از سواد رسانه‌ای، توان پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌ای برای شناسایی نیازها و انتظارات مخاطبان فراهم می‌آورد. (هابز، ۲۰۰۳: ۳۴۲)

بنابراین خلاصه مراحل سواد رسانه‌ای از دید تامن عبارتست از: مرحله‌ی اول: رژیم مصرف / مرحله‌ی دوم: ویژگی‌های پیام / مرحله‌ی سوم: نقد پیام.

^۱ Toman

^۲ Hobbes

در نتیجه با برخورداری از سواد رسانه (از انتخاب ساده‌ی رسانه‌ای تا نقد متن) و رسیدن به مرحله‌ی بالاتر آن (فهم و تفسیر زمینه‌های متن) این امکان برای مخاطب فراهم می‌شود که در برابر هجوم سرسام‌آور القای پیام‌های رسانه‌ای، هویت خود را حفظ کند.

بر این اساس، سواد رسانه‌ای نظامی تفسیری و ترجیحی، متأثر از داورهای ذهنی و اخلاقی است که مواجهه فرد را با پیام‌های رسانه‌ای (چه در دسترس و چه جست‌وجوگرانه شکل می‌دهد و موجب می‌شود مخاطبان، در استفاده و انتخاب پیام‌ها مسئولیت بیش‌تری احساس کنند.

از این رو با توجه به مباحث مطرح‌شده و مرور مبانی نظری مرتبط با سواد رسانه‌ای و اهداف این تحقیق، این‌گونه استنباط می‌شود که آموزش مبانی سواد رسانه‌ای که به نحوه‌ی استفاده از رسانه‌ها (مصرف رسانه‌ای) و انتخاب پیام رسانه‌ای بیش‌تر تأکید دارد؛ باید در برنامه‌ی مهارت-آموزی کودکان (دانش‌آموزان مقطع ابتدایی) قرار گیرد و در ادامه چگونگی این آموزش مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل بررسی مؤلفه‌های آموزش سواد رسانه‌ای در کتاب‌های اول ابتدایی، از نوع مطالعات اکتشافی، کاربردی است. از این رو در این پژوهش به جای فرضیه، از سوالات تحقیق استفاده شده؛ همچنین روش تحقیق، کیفی و با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق داده‌ها، جمع-آوری شده است. نمونه‌برداری نظری، فرایند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که بدان وسیله تحلیل‌گر، به طور همزمان داده‌هایش را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد که به منظور بهبود نظریه‌ی خود تا هنگام ظهور آن در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آن‌ها را پیدا کند (کرس ول^۱، ۱۳۹۱؛ دانایی‌فر، الوانی و آذر، ۱۳۹۱).

سپس داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) مقوله‌بندی و درنهایت، به شیوه‌ی تحلیل سوات (SWOT) بررسی، تجزیه و تحلیل شد.

¹ Creswell

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق نخبگان مدیریت آموزشی و مدیریت رسانه‌ی دانشگاه علوم تحقیقات تهران و معلمان مدارس ابتدایی مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و گلوله برفی انتخاب می‌شوند.

فرایند و ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، اولین گام برای محققان تمرکز بر سوالات تحقیق است. در پژوهش حاضر، سوال اصلی "بررسی چگونگی الگوی سوادسازانه‌ای در کتاب‌های اول ابتدایی چگونه می‌باشد؟" بنابراین روند فرایند و ابزار گردآوری داده‌ها با پاسخ‌گویی به سوالات ذیل انجام می‌شود:

جدول شماره‌ی یک- سوالات پژوهش

پارامترها	تنظیم سوال
چه چیزی	مباحث آموزش سوادسازانه‌ای در کتاب‌های اول ابتدایی چیست؟
چه کسی	چه کسانی (نهادهایی) باید متولی آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان ابتدایی باشند؟
چه وقت	آموزش سوادسازانه‌ای در چه دوره‌ها و به چه ترتیب زمانی مؤثرتر است؟
چگونگی	نحوه‌ی آموزش سوادسازانه‌ای به دانش‌آموزان اول ابتدایی چگونه باید باشد؟

یافته‌های پژوهش

مشخصات توصیفی جامعه‌ی مورد مطالعه

در این مطالعه با استفاده از روش گلوله برفی از نظر ۲۵ نفر از خبرگان استفاده شده است.

مشخصات آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره‌ی دو- توزیع پاسخ‌دهندگان

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
سن	کم‌تر از ۳۰ سال	۰	۰
	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۶	۲۴
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۶	۲۴
	بین ۵۱ تا ۶۰ سال	۸	۳۲
	بالتر از ۶۰ سال	۵	۲۰

۷۶	۱۹	مرد	جنسیت
۲۴	۶	زن	
۸	۲	کمتر از ۱۰ سال	سابقه فعالیت
۲۰	۵	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	
۲۰	۵	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	
۲۴	۶	بین ۲۱ تا ۲۵ سال	
۲۸	۷	بین ۲۶ تا ۳۰ سال	
۸	۲	لیسانس	تحصیلات
۲۰	۵	فوق لیسانس	
۷۲	۱۸	دکتری	

کدگذاری باز مفاهیم:

جدول شماره‌ی سه - کدگذاری باز مفاهیم سواد رسانه‌ای دوره‌ی ابتدایی

ردیف	کد	ردیف	کد
۱	رشد فردی و میان فردی	۳۶	تشکیل نهضت سواد رسانه
۲	پرورش شهروندی	۳۷	کارگاه مجازی
۳	پرورش ارزش‌های هنری	۳۸	خلق محتوای گرافیکی
۴	پرورش درک اخلاقی	۳۹	دیجیتال کردن محتوا
۵	پرورش تفکر انتقادی	۴۰	اپلیکشین‌های آموزشی
۶	پرورش خلاقیت	۴۱	سازمان‌دهی و ساختاردهی منابع و عناصر چندرسانه‌ای
۷	بهبود توانایی استدلال	۴۲	تعریف عناصر درسی و واحدهای آموزشی
۸	طرح ایده از طرف دانش‌آموزان با روش بارش فکری	۴۳	توسعه‌ی استراتژی‌های آموزشی
۹	انجام فعالیت عملی به صورت فردی یا گروهی	۴۴	طرح‌ریزی سازمان و ساختار درس‌هایی که باید ایجاد شود.
۱۰	تولید محتوای رسانه‌ای به کمک دانش-آموزان	۴۵	طراحی مناسب صفحات تاب
۱۱	استفاده از روش‌های نوین آموزشی	۴۶	بازی‌های آنلاین
۱۲	استفاده از مجله	۴۷	شبکه‌های اجتماعی
۱۳	استفاده از رادیو و تلویزیون	۴۸	انواع رسانه
۱۴	استفاده از پایگاه‌های اینترنتی	۴۹	نهادهای آموزشی

۱۵	حفظ فرهنگ خودی در برابر تهاجم فرهنگی	۵۰	خانواده
۱۶	توجه به تقوای رسانه‌ای	۵۱	جامعه
۱۷	شیوه‌ی تدریس آموزش سواد رسانه‌ای	۵۲	ورود بخش خصوصی جهت راه‌اندازی مراکز سواد رسانه‌ای
۱۸	صیانت از سبک زندگی ایرانی-اسلامی	۵۳	ایفای نقش دیده‌بانی و نظارت دائم بر توسعه-ی سواد رسانه‌ای
۱۹	استفاده از بازی‌های تصویری خلاق	۵۴	وارد کردن سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور
۲۰	آگاهی به دانش‌آموزان در رابطه با سازندگان بازی‌های رایانه‌ای	۵۵	به‌کارگیری مشاورین خبره‌ی سواد رسانه‌ای در مدارس
۲۱	آموزش تکنیک‌ها و نمادهای موجود در بازی‌های رایانه‌ای	۵۶	آموزش اولیا و مربیان
۲۲	سرگرم‌آموزی	۵۷	رعایت اختصار و ایجاز
۲۳	استفاده‌ی عملیاتی از بازی در آموزش مفاهیم	۵۸	تولید بر اساس ذائقه
۲۴	انیمیشن‌ها	۵۹	رصد فضای سایبری
۲۵	آموزش از راه دور	۶۰	مهندسی پیام
۲۶	استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات	۶۱	تحلیل محتوا
۲۷	تدریس رسانه‌های جمعی در مدارس	۶۲	تعیین رژیم مصرف رسانه
۲۸	تحلیل و ارزش‌گذاری فیلم	۶۳	فقر دانشی اطلاعاتی و ارتباطی والدین
۲۹	کلاس‌های عملی	۶۴	نبود زیرساخت‌های لازم ارتباطی
۳۰	طراحی برنامه‌ی درسی تلفیقی	۶۵	عدم وجود متخصص به‌اندازه‌ی کافی در حوزه‌ی سواد رسانه‌ای
۳۱	تبدیل تلفن همراه به کلاس مجازی	۶۶	عدم رسمیت آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس
۳۲	کاربرد طنز	۶۷	محتوای رسانه
۳۳	تصویرسازی اشخاص برجسته متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی	۶۸	میزان استفاده‌ی نادرست
۳۴	تحلیل انتقادی	۶۹	ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها
۳۵	درک مفاهیم جدید از زمان و فضا	۷۰	مداخله‌ی حداکثری دولت در مقررات‌گذاری

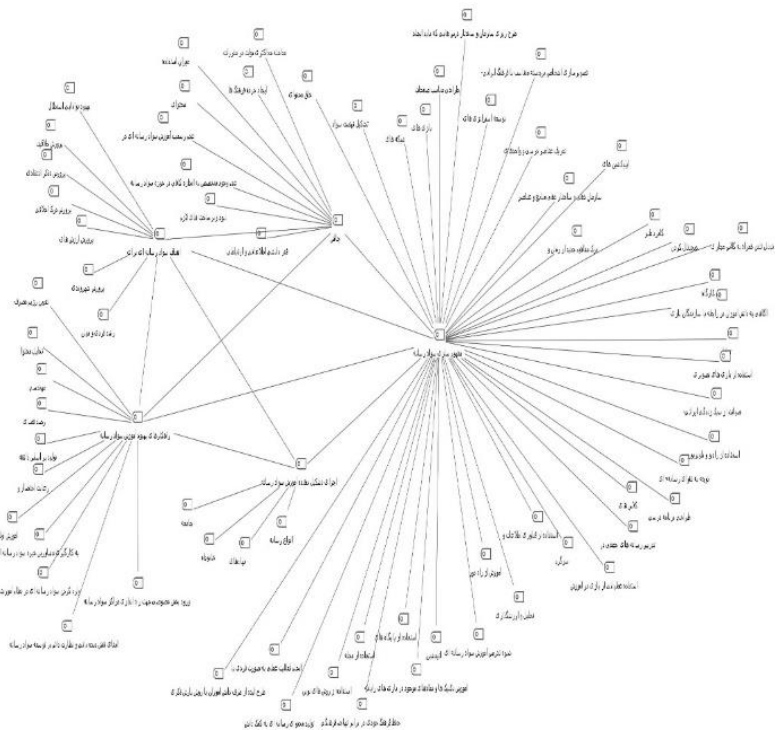
کدگذاری محوری مفاهیم و طبقه‌بندی مقوله‌ها:

جدول شماره‌ی چهار- کدگذاری محوری مقوله‌ها

مفاهیم	مقوله
شماره‌های ۱ تا ۷ (جدول ۶)	اهداف سوادسازانه‌ای برای کودکان
شماره‌های ۸ تا ۴۷ (جدول ۶)	مفهوم‌سازی سوادسازانه‌ای
شماره‌های ۴۸ تا ۵۱ (جدول ۶)	اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آموزش سوادسازانه‌ای
شماره‌های ۵۲ تا ۶۲ (جدول ۶)	راهکارهای بهبود آموزش سوادسازانه‌ای
شماره‌های ۶۳ تا ۷۰ (جدول ۶)	چالش‌ها

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی مرحله‌ی اصلی نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان است که بر اساس نتایج کدگذاری باز و محوری با ارائه‌ی نظریه می‌پردازد. کدگذاری انتخابی فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها است. در این مرحله با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری انتخابی، انجام و بین مفاهیم و مقوله‌ها ارتباطی نظام‌مند ایجاد شد.



تحلیل SWOT

تحلیل سوات می‌تواند ابزار مفیدی در بررسی مفهوم‌سازی سواد رسانه‌ای باشد. این رویکرد مدلی بسیار شناخته شده است و یک مبنای بسیار مهم جهت یادگیری نکاتی در مورد وضعیت و طراحی فرایندهای آتی است و جهت تفکرات راهبردی ضروری است. این روش نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات را برای طرح اجرایی (یا استراتژی، فعالیت مدیریتی) یا برای یک طرح جدید که در آینده اعمال خواهد شد، شناسایی می‌کند.

نقاط قوت

۱. رشد فکری کودکان
۲. رشد تفکر انتقادی
۳. بهبود توانایی استدلال
۴. پرورش خلاقیت فردی و گروهی
۵. درک مفاهیم جدید از فضای امروزی

نقاط ضعف

۱. بروز تضاد فرهنگی
۲. عدم وجود متخصص به‌اندازه‌ی کافی
۳. نبود زیرساخت‌های لازم
۴. کمبود اطلاعات والدین

فرصت‌ها

۱. تولید محتوای رسانه‌ای به کمک دانش‌آموزان
۲. تقویت فرهنگ ایرانی - اسلامی
۳. بهبود شیوه‌ی تدریس در مدارس
۴. تحلیل و نقد رسانه

تهدیدات

- محتوای رسانه
- اختلال در یادگیری و آموزش دیگر علوم
- تهاجم فرهنگی

در این مطالعه پس از بررسی اسناد علمی و مصاحبه با خبرگان، در مجموع ۷۵ کد از مفاهیم استخراج شد که این مفاهیم در قالب ۵ مقوله دسته‌بندی شدند. در ادامه مقوله‌های کلیدی مورد بررسی قرار گرفته است.

- چالش‌ها

مداخله‌ی حداکثری دولت در مقررات‌گذاری: میزان دخالت دولت در امور رسانه‌ها به عوامل مختلفی بستگی دارد که اصلی‌ترین و مهم‌ترین این عامل، نوع نگرش و دیدگاه حاکمان در خصوص آزادی تأسیس و فعالیت رسانه است. اگر حاکمان معتقد باشند که رسانه‌ها، ابزارهای غیرضروری و مشکل‌ساز بوده و عوامل آن‌ها (مدیران، نویسندگان و ...) از قدرت تشخیص و مدیریت اقدامات خود برخوردار نیستند، بدون تردید و راساً و با تمام قدرت تلاش می‌کنند تا آن‌ها را مدیریت و در نتیجه محدود نمایند. اما چنانچه باور داشته باشند تحقق مردم‌سالاری و تأمین مشارکت مردم در امور جامعه نیاز به رسانه‌های آزاد و مستقل دارد و مجامع منتخب رسانه‌ها از قدرت ساماندهی امور و اعمال نظارت برخوردار هستند، تلاش می‌کنند تا ضمن مداخله‌ی حداقلی، امور رسانه‌ها را به مجامع مذکور واگذار کرده و به ایفای نقش در عرصه‌ی حمایت و هدایت آن‌ها اکتفا نمایند.

در کشور ایران، دولت‌مردان در تعامل با رسانه اهداف مخصوص به حاکمیت را در نظر گرفته و قانون‌گذاری و نحوه‌ی تعامل و برخورد با آن به صورت کوتاه‌مدت و حتی لحظه‌ای می‌باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به فیلترکردن برخی رسانه‌ها به دلیل مسایل امنیتی، اخلاقی، اجتماعی و... اشاره کرد. بنابراین می‌توان گفت مداخله‌ی دولت در امور رسانه‌ها یکی از چالش‌های رسانه و آموزش رسانه‌ای می‌باشد.

فقر دانشی اطلاعاتی و ارتباطی والدین: در کنار آموزش سواد رسانه‌ای در محیطی غیر از محیط خانه، والدین نقش بسیار مهمی در آموزش سواد رسانه‌ای و بهبود آن دارند. متأسفانه به دلیل دانش پایین اکثر والدین در رابطه با سواد رسانه‌ای، بخش مهمی از آموزش به دانش‌آموزان از بین می‌رود. لذا نقش خانواده‌ها در آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان، نقشی انکارناپذیر و مهم می‌باشد که والدین بایستی به آن توجه کنند و دوره‌های لازم را طی کنند.

نبود زیرساخت‌های لازم ارتباطی: یکی از مشکلات مهم آموزش سواد رسانه‌ای، نبود زیرساخت‌ها و لوازم مرتبط در کشور می‌باشد. محدودیت در دسترسی به برخی شبکه‌های اجتماعی

و کیفیت پایین تکنولوژی‌های مربوطه (اینترنت و ...) از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت زیرساخت‌های ارتباطی می‌باشد. لذا یکی از پیش‌شرط‌های مهم جهت استفاده از رسانه و آموزش سواد رسانه‌ای، فراهم کردن شرایط لازم و زیرساخت‌های آن است.

عدم وجود متخصص به تعداد کافی در حوزه‌ی سواد رسانه‌ای: یکی از عوامل مهمی که باعث رشد و ارتقای یک بخش می‌شود، وجود متخصصان به تعداد کافی در آن بخش است. با توجه به گستردگی مفهوم رسانه و تنوع انواع آن از یک‌سو و شیوه‌های متفاوت آموزش سواد رسانه‌ای از سوی دیگر، در عصر پرتلاطم کنونی که حجم عظیمی از مفاهیم سواد رسانه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی مطرح می‌باشد، وجود متخصصانی متعدد باعث شناخت انواع رسانه و مفاهیم سواد رسانه‌ای در بین افراد جامعه می‌شود. از طرفی، متخصصانی که بتوانند این نوع از آموزش را در کلاس‌های دوره‌ی اول ابتدایی ارائه دهند، اندک می‌باشند که یکی از چالش‌های جدی در بحث آموزش سواد رسانه‌ای است.

عدم رسمیت آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس: عدم تعریف واحد درسی به‌عنوان سواد رسانه در دوره‌ی ابتدایی، خود یکی از چالش‌های این بخش می‌باشد؛ چراکه ارائه‌ی آموزش در صورتی انجام‌پذیر است که ابتدا واحد درسی به نام سواد رسانه‌ای تعریف شود. با به رسمیت شناخته شدن آموزش سواد رسانه‌ای، متعاقب آن کتاب با محتوای لازم طراحی شده، لوازم مورد نظر گردآوری شده و در کیفیت آموزش ارتقا می‌یابد.

محتوای رسانه: حجم عظیم اطلاعات به‌صورت فیلم، عکس، انیمیشن، بازی و ... کنترل استفاده از رسانه را برای خانواده‌ها سخت کرده است. در چنین شرایطی که این حجم از اطلاعات در لحظه به‌روز شده و هر لحظه مفاهیم جدیدی به آن اضافه می‌شود، محتوای آن بسیار بااهمیت می‌باشد و یکی از چالش‌های جدی در استفاده از رسانه است.

میزان استفاده نادرست: یکی دیگر از چالش‌ها در بحث استفاده از رسانه و متعاقب آن آموزش سواد رسانه‌ای، میزان استفاده از رسانه است. چنانچه دسترسی به رسانه به بهانه‌ی آموزش سواد رسانه‌ای و دیگر مباحث آزاد باشد، می‌تواند چالشی جدی محسوب شود؛ چراکه وابستگی کودکان به انواع رسانه و فضای مجازی در اثر آزادی استفاده از آن و جذابیت محتوای آن‌ها برای کودک، وابستگی شدیدی می‌باشد.

ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها: فضای مجازی به دلیل بکر بودن نوع فضای آن برای افرادی که در آن فعالیت می‌کنند، چالش‌هایی را به همراه دارد. یکی از این چالش‌ها، ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها در این

نوع فضا می‌باشد. در برخی موارد این نوع خرده‌فرهنگ‌ها در جهت فرهنگ شخص بوده و می‌تواند جنبه‌ی مثبت آن و در برخی موارد دیگر می‌تواند در تضاد با فرهنگ شخص باشد. لذا ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها برای دانش‌آموزان ابتدایی که در مرحله‌ی شکل‌گیری شخصیتی می‌باشند، می‌تواند یکی دیگر از چالش‌های جدی باشد.

- راهکارهای بهبود آموزش سواد رسانه‌ای

ورود بخش خصوصی جهت راه‌اندازی مراکز سواد رسانه‌ای: عملکرد بخش دولتی در اکثر حوزه‌های فعالیت به دلیل مسایل مختلف همواره مورد بحث بوده است. در طرف دیگر، بخش خصوصی به دلیل کارایی بیش‌تر و بهتر نسبت به بخش دولتی مورد اقبال همگان می‌باشد. لذا ورود بخش خصوصی به عرصه‌ی آموزش سواد رسانه‌ای و تشکیل تشکلهایی در سطح کشور ضروری می‌نماید.

وارد کردن سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور: چالش اصلی نظام آموزشی کشور در برخورد با آموزش سواد رسانه‌ای، نبود واحدهای درسی مشخص و رسمی برای این نوع از آموزش می‌باشد. لذا باید آموزش سواد رسانه‌ای به صورت رسمی در مقاطع ابتدایی به صورت تعریف واحد درسی یا تلفیق آن در واحدهای درسی دیگر وارد نظام آموزشی کشور شود.

تعیین رژیم مصرف رسانه: انسان همواره در مصرف (غذا، پوشاک و ...) به یک حد آستانه‌ای نیازمند است تا دچار مشکل نشود. به نوعی می‌توان گفت نیازمند تعیین یک رژیم مصرف می‌باشد. رسانه نیز از این امر مستثنی نیست؛ چراکه استفاده‌ی بیش‌ازحد و غیرمعتدل از آن می‌تواند معضلات متعددی را با خود به همراه آورد. لذا تعیین یک رژیم مصرف در استفاده از رسانه ضروری است.

- مفهوم‌سازی سواد رسانه‌ای

شبکه‌های اجتماعی: با توجه به افزایش کاربران فضای مجازی و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی و مجازی در ایران و همچنین ویژگی‌های منحصربه‌فرد این فضا مبنی بر تعاملی بودن، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان بستری برای گسترش سواد رسانه‌ای طرح شوند. در شرایط کنونی که رسانه‌های دیجیتال و اینترنت فضای ارتباطی بین عصر را شکل می‌دهد، مخاطبان فضای جدیدی

نیاز دارند تا در کنار سواد دیداری و شنیداری به سواد دیجیتالی نیز مجهز باشند؛ اما تجهیز دانش‌آموزان به سواد رسانه‌ای نیازمند حضور متولیان مربوط در این عرصه است.

می‌توان سه سطح متولی‌گری را برای سواد رسانه‌ای در نظر گرفت: دولت، نهادهای مدنی و کنش‌گری فردی. در سطح دولت، ورود رسانه‌ای به آموزش و پرورش رسمی مد نظر است. اگر هدف، فراگیر شدن سواد رسانه‌ای باشد قطعاً نیاز به زیر ساخت‌ها و امکانات وسیع است. دولت باید ضمن توجه به تئوری‌های نوین آموزشی و متدولوژی صحیح، بستر کافی را برای آموزش سواد رسانه‌ای فراهم کند. در سطح نهادهای مدنی، شبکه‌ها و شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد به سطح سواد رسانه‌ای مبادرت ورزند. در سطح کنشگری فردی نیز سازوکارهایی است که برای مثال والدین به فرزندان خود رویارویی با رسانه‌ها به کار می‌برند.

تعریف عناصر درسی و واحدهای آموزشی: برای رسیدن به برنامه‌ی درسی سواد رسانه‌ای، به نیازسنجی برنامه درسی نیاز است. اما تعریف واحدی از برنامه‌ی درسی در میان صاحب‌نظران این علم وجود ندارد و هر کس بنا بر تفکرات خود تعریفی از برنامه‌ریزی درسی ارائه داده است. در برنامه‌ریزی درسی باید به محتوای رسمی و غیررسمی، فرآیند، محتوا و آموزش‌های آشکار و پنهان توجه کرد.

استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات: فناوری اطلاعات و ارتباطات دارای ویژگی‌هایی است که تأثیر عمیقی در تدریس و یادگیری دارد. ویژگی‌هایی همچون سرعت، ظرفیت، خودکاری، ارتباط، پاسخ‌گویی، تعامل، غیرخطی بودن و چندوجهی بودن می‌تواند از امتیازهای خاص آن محسوب شود. امروزه دیگر فناوری اطلاعات و ارتباطات تنها به‌عنوان یک ابزار تدریس یا به‌عنوان یکی از موضوعات درسی محسوب نمی‌گردد. در این رویکرد برای ارائه‌ی محتوا از عناصر اطلاعاتی با فرمت‌های متفاوت نظیر متن، ویدئو، صدا، انیمیشن، گرافیک و محیط‌های مجازی یا شبیه‌سازی شده استفاده می‌نمایند. فناوری اطلاعات به‌عنوان یک رویکرد نوین، در نقش مکمل نظام آموزشی، بهبود کیفیت تدریس، تنوع‌بخشیدن به شیوه‌های تدریس، فراهم‌ساختن آموزش مستمر و خودکار، کوتاه‌نمودن زمان آموزش و توجه به استعدادها و فردی عمل می‌کند. هدف برنامه‌ی آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، افزایش میزان آگاهی دانش‌آموزان در ارتباط با پیام‌های رسانه‌ای بر اساس مؤلفه‌های اساسی سواد رسانه‌ای است.

حفظ فرهنگ خودی در برابر تهاجم فرهنگی: با نگاه انتقادی به بحث رسانه، موضوع سواد رسانه‌ای در کشور بایستی تقابل فرهنگ ایرانی- اسلامی را در مقابل فرهنگ غربی برجسته کند و ذهنیت دانش‌آموزان را نسبت به این مسأله‌ی مهم شکل دهد.

صیانت از سبک زندگی ایرانی- اسلامی: در میان انواع هجمه‌های رسانه‌ای که به شیوه‌های مختلف، ابعاد گوناگون فرهنگ کشور را نشانه گرفته است، تلاش برای تغییر سبک زندگی ایرانی- اسلامی مردم از اولویت‌های اصلی رسانه‌های غیربومی، به خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای به شمار می‌رود. لذا تلاش برای صیانت از سبک زندگی ایرانی- اسلامی باید یکی از اهداف اصلی آموزش سواد رسانه‌ای در کشورمان باشد.

سرگرم‌آموزی: یکی از راه‌های اصلی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان از طریق رسانه، تلفیق آموزش و سرگرمی در پیام‌های رسانه‌ای است. رسانه‌ها نه تنها در زمینه‌ی ارائه‌ی آموزش‌های مفید و کاربردی به مخاطبانشان ضعف دارند، بلکه از قابلیت‌هایی که ترکیب کردن این وظایف برایشان ایجاد می‌کند نیز نمی‌توانند به خوبی استفاده کنند. این کارکردها از هم جدا نیستند و با تلفیق آن‌ها می‌توان درگیری ذهنی افراد را با برنامه‌ها بیش‌تر کرد.

بازی‌های آنلاین: یکی از رسانه‌های تأثیرگذار در جامعه‌ی ارتباطی، بازی‌های رایانه‌ای هستند که به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، هم‌ذات‌پنداری با کاراکترها، داستانی بودن و هدایت بازی توسط خود کاربر، افراد زیادی را به خود جلب می‌کنند. بازی‌های ویدیویی، نسل آینده‌ی رسانه‌ها برای ایجاد دگرگونی‌های ظریف در مهارت‌های ذهنی به شمار می‌رود. بازی‌های ویدیویی را می‌توان فرآورده‌هایی فرهنگی به شمار آورد. این بازی‌ها، مانند دیگر پدیده‌های فرهنگی، نظامی نمادین در بردارد. بدین معنا که از روش مخصوص به خود برای نمایش اشیاء بهره می‌گیرد و ساختار و دستور زبان ویژه خود را دارد. از این رو، یادگیری شیوه‌ی کاربری و کسب اطلاعات در این بازی‌ها مستلزم وجود توانایی شناختی ویژه‌ای در فرد است. درست همان‌گونه که تجربه‌ی تماشای تلویزیون افراد را قادر می‌سازد شیوه‌های مرسوم ارائه‌ی اطلاعات را درک کنند، در این بازی‌ها نیز مهارت‌های ذهنی معینی را باید کسب کرد تا بتوان به بازی تا مرحله‌ی پیشرفته‌اش ادامه داد.

تحلیل و ارزش‌گذاری فیلم: یکی از مصادیق مهم آموزش سواد رسانه‌ای، نقد محتوای انواع چندرسانه‌ای از جمله فیلم می‌باشد. ایجاد قدرت تجزیه و تحلیل در دانش‌آموزان جهت نقد فیلم می‌تواند گامی مهم در راستای بهبود آموزش سواد رسانه‌ای باشد.

طراحی برنامه‌ی درسی تلفیقی: بر اساس نظر خبرگان، تعریف یک واحد درسی جداگانه با عنوان سواد رسانه‌ای نمی‌تواند موفقیت چندانی در راستای ارتقای هدف مورد نظر باشد. لذا طراحی یک برنامه‌ی درسی تلفیقی (نه فقط یک واحد درسی) بسیار مؤثرتر خواهد بود.

تشکیل نهضت سواد رسانه: با توجه به اهمیت سواد رسانه‌ای و لزوم آموزش آن به دانش‌آموزان ابتدایی، تشکیل یک نهضت ضروری است، همانند نهضت سوادآموزی. یکی از جنبه‌های مهمی که خبرگان بر آن تأکید دارند، تشکیل نهضت سواد رسانه‌ای است.

اپلیکشین‌های آموزشی: یکی از ابزارهایی که در حال حاضر بیش‌ترین استفاده‌ها را در بین عامه‌ی مردم دارد، اپلیکشین‌های آموزشی است. آموزش‌های مذهبی، ورزشی، درسی و... از این دسته هستند. طراحی اپلیکشین‌هایی با مضمون درسی در راستای آموزش سواد رسانه‌ای یکی از راه‌های این نوع از آموزش می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

رسانه‌ها ابزار مهمی برای دانش‌آموزان به شمار می‌روند. آن‌ها به نوعی با رسانه‌ها زندگی می‌کنند و به آن‌ها وابستگی خاصی دارند. تأکید آن‌ها بر نوع مصرف رسانه‌ای، گفتگوهایشان درباره‌ی ابزارهای رسانه‌ای و محتوای رسانه‌های مورد استفاده نشان می‌دهد که نمی‌توان نگاه ساده‌انگارانه و سطحی به مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان داشت. آن‌ها آینده‌سازان کشور هستند.

با توجه به همگرایی رسانه‌ها، دسترسی آسان و تنوع و حتی شخصی‌شدن رسانه‌ها، کنترل‌های بیرونی نمی‌تواند در رسیدن آن‌ها به محتوای ناسالم و نامناسب کارساز باشد؛ بلکه بایستی به سمت کنترل‌های درونی در استفاده از رسانه‌ها گام برداشت و راه اصلی و عملی آن، ارائه‌ی آموزش‌های سواد رسانه‌ای در مدارس است.

از آن‌جاکه نظام آموزشی باید با شناخت نیازهای آموزشی، خود را با نیازهای جدید تطبیق دهد، رفتن به سوی آموزش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای از اولویت دنیای کنونی است. آموزش و پرورش می‌تواند با سرمایه‌ی انسانی و امکانات فیزیکی‌ای که در اختیار دارد به فراگیرشدن آموزش‌های سواد رسانه‌ای و جبران عقب‌ماندگی در این زمینه کمک کند. حال که سواد رسانه‌ای به تدریج در حال ورود به برنامه‌های درسی مدارس در کشورهای مختلف است، در ایران اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است.

آموزش سواد رسانه‌ای توانایی دانش‌آموزان را در رویارویی، دستیابی، تحلیل، ارزیابی و تولید پیام‌های رسانه‌ای افزایش می‌دهد. همچنین مهارت‌های تفکری و دیدگاه‌های انتقادی را برای آنان به ارمغان می‌آورد.

در این مطالعه پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، عوامل مختلفی در خصوص چگونگی آموزش سواد رسانه‌ای در کتاب‌های درسی اول ابتدایی شناسایی شدند.

مهم‌ترین عاملی که خبرگان در بحث نحوه‌ی آموزش سواد رسانه‌ای در کتب اول ابتدایی بر آن تأکید بیشتری داشتند، استفاده از روش رویکرد تلفیقی در کتاب‌های درسی سال اول ابتدایی است و نه تعریف یک واحد درسی جداگانه برای سواد رسانه‌ای.

به اعتقاد آن‌ها، اجبار در خواندن کتابی جدید با عنوانی در موضوع سواد رسانه‌ای، باعث گریز دانش‌آموزان از آن می‌شود. لذا سیستم آموزش و پرورش کشور بایستی با استفاده از روش‌های نوین آموزشی، تکنولوژی‌های آموزشی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تشکیل کارگاه‌های آموزشی، شرکت‌دادن دانش‌آموزان در بحث و تبادل نظر در زمینه‌ی نقد رسانه و دیگر عوامل شناسایی‌شده، ماهیت رسانه و لزوم یادگیری سواد رسانه‌ای را با دانش‌آموزان القا کنند. همه پیام‌های رسانه‌ای، قابل تعبیر و تفسیر هستند (امیرانتخابی و رجبی، ۱۳۸۷: ۴).

چراکه نحوه‌ی آموزش دانش‌آموزان اول ابتدایی به دلیل این‌که اولین مقطع آموزش علم است، حساسیت بسیار بالایی دارد. بنابراین از طرفی نبایستی حجم کتاب‌های درسی به اندازه‌ای باشد که دانش‌آموزان نسبت به آن‌ها بی‌میل شوند و از طرفی به دلیل لزوم آموزش سواد رسانه‌ای، استفاده از انواع روش‌های نوین آموزشی ضروری است.

همچنین در بحث: راهکارهای بهبود آموزش سواد رسانه‌ای به مؤلفه‌هایی همچون: ورود بخش خصوصی جهت راه‌اندازی مراکز سواد رسانه‌ای و تدوین سرفصل‌های آموزش سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی کشور، تعیین رژیم مصرف رسانه (ویژه‌ی دانش‌آموزان)، تقویت و حفظ فرهنگ خودی در برابر تهاجم فرهنگی، صیانت از سبک زندگی ایرانی-اسلامی، سرگرم‌آموزی، بازی‌های آنلاین، تحلیل و ارزش‌گذاری فیلم، طراحی برنامه‌ی درسی تلفیقی، تشکیل نهضت سواد رسانه، اپلیکیشن‌های آموزشی، تأکید شد.

بدین ترتیب این تحقیق از جهت بررسی چگونگی آموزش سواد رسانه‌ای در رده‌ی سنی کودکان و از ابعاد مختلف (نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، چالش‌ها) حائز اهمیت و با سایر پژوهش‌های حوزه‌ی سواد رسانه‌ای تفاوت دارد.

پیشنهادها: به دلیل گسترش پلتفرم‌های جدید رسانه‌ای و افزایش مواجهه افراد با پیام‌های رسانه‌ای، هر روز بر اهمیت چگونگی آموزش مباحث سواد رسانه‌ای در جامعه افزوده می‌شود، بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی نیز در رده‌ی سنی نوجوانان، دانشجویان و ... انجام شود.

منابع فارسی

۱. امیرانتخابی، شهرود و سید مسعود رجبی (۱۳۸۷) «بررسی و تحلیل سطوح مختلف سواد رسانه‌ای»، پژوهش‌نامه، ویژه‌نامه‌ی سواد رسانه‌ای، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهش‌کده‌ی تحقیقات استراتژیک، شماره‌ی ۱۱: ۸۳-۵۷.
۲. باهنر، ناصر و رامین چابکی (۱۳۹۳) «تحلیل سواد رسانه‌ای بر اساس مدل EC؛ مورد مطالعه: سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۵، شماره-ی ۲۸: ۳۴-۷.
۳. براون، جیمز (۱۳۸۵) «رویکردهای سواد رسانه‌ای»، ترجمه‌ی پیروز ایزدی، رسانه، سال ۱۸، شماره‌ی ۶۸: ۷۰-۵۱.
۴. پاتر، جیمز (۱۳۸۵) «تعریف سواد رسانه‌ای»، ترجمه‌ی لیدا کاووسی، فصل‌نامه‌ی رسانه، سال هفدهم، شماره-ی ۴، شماره‌ی پیاپی ۶۸: ۲۵-۷.
۵. بستمن، نیل (۱۳۹۵) افول دوران کودکی، ترجمه‌ی صادق طباطبایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۶. تقی زاده، عباس (۱۳۹۰) «بررسی مقایسه‌ای سواد رسانه‌ای دختران و پسران دانش‌آموزان مقطع متوسطه»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، گروه ارتباطات.
۷. دانایی فر، حسن؛ الوانی، سیدمهدی و عادل آذر (۱۳۹۱) «روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع»، تهران: انتشارات صفار.
۸. سلطانی فر، محمد (۱۳۸۵) «سانسور یا سواد رسانه‌ای»، رسانه، ۴(۶۸): ۱۲۱-۱۰۷.
۹. سلطانی فر، م (۱۳۸۷) «تحلیل وضعیت سواد اینترنتی دانش‌آموزان سال ۳ دبیرستان شهر تهران در مقایسه با مربیان و والدین آن‌ها»، فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، سال ۷، شماره‌ی ۲۷: ۳۷-۶۰.

۱۰. سلیمان، سفر، خسروی، فریبرز و زهرا حداد (۱۳۹۲) «ارزیابی سواد رسانه‌ای دانشجویان و دانش‌آموزان شهر تهران»، مجله‌ی جهانی رسانه، ۸ (۲): ۷۴-۵۲.
۱۱. شبیری، حسینیه‌السادات (۱۳۹۲) «آموزش سواد رسانه‌ای در فضای مجازی، مقایسه وب‌سایت مدیا استمارتس کاندا و وب‌سایت سواد رسانه‌ای ایران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی
۱۲. شجاعی، مهناز و مهناز امیرپور (۱۳۹۱) «بررسی وضعیت سواد رسانه‌ای دانشجویان خراسان شمالی در جامعه‌ی اطلاعاتی» جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۳ (۷): ۴۳-۵۶.
۱۳. شکرخواه، یونس (۱۳۸۵) سواد رسانه‌ای، یک مقاله‌ی عقیده‌ای، فصل‌نامه‌ی رسانه، ۱۷ (۴): ۲۷-۳۲.
۱۴. صفایی، علی (۱۳۹۴) «رابطه‌ی سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان با انتخاب محتوای شبکه‌های اجتماعی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، دانشکده علوم انسانی.
۱۵. صلواتیان، سیاوش، حسینی، سید بشیر، معتضدی، سینا (۱۳۹۶) «طراحی الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان»، مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۶ (۱۰): ۷۵-۵۰.
۱۶. طلوعی، علی (۱۳۹۱) سواد رسانه‌ای، درآمدی بر شیوه‌ی یادگیری و سنجش، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
۱۷. کرس ول، جان دبلیو (۱۳۹۱) طرح پژوهش ترکیبی، کمی و کیفی، ترجمه‌ی علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: انتشارت جهاد دانشگاهی واحد علامه.
۱۸. کرمی نامیوندی، سجاد (۱۳۹۵) «طراحی الگوی سیاست‌گذاری آموزش سواد رسانه‌ای در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، مدیریت رسانه، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی مدیریت.
۱۹. محمودی کوکنده، سید محمود (۱۳۹۰) «بررسی ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان از نگاه متخصصان حوزه‌ی آموزش و پرورش»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
۲۰. مرادی، رحیم و اسماعیل زارعی زوارکی (۱۳۹۳) «کاربرد آموزش فناوری چندرسانه‌ای در حیطه‌ی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان اتیسم»، تعلیم و تربیت استثنایی، ۱ (۱۲۳): ۶۵-۵۷.

۲۱. هاشمی نژاد ابرسی، فاطمه (۱۳۹۵) «تحلیل تأثیر سواد رسانه‌ای بر رفتار اجتماعی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی شهرستان» سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره‌ی ۳، شیراز.
۲۲. هاشمی، شهناز (۱۳۹۳) «بررسی نقش رسانه در نظام تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: تأکید بر ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای»، فصل‌نامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال ۲۵، شماره‌ی ۴: ۱۸-۵.

منابع لاتین

23. Culver Sherri H, Jacobson Th., (2012). "Media literacy and its method to encourage civic engagement"; XX (39): 73-80
24. Hobbs, R., Frost R., (2003) "Measuring the Acquisition of Media Literacy Skills".
25. Pondgreg , E., Johnson, A.M., Sproles, C. and Reynolds, L. (2013), " The role of media literacy education in improving information literacy ", Reference Services Review, Vol. 37 No. 4, pp. 463-553.
26. Toman, E., (1995). "The 3 stages of media literacy". Center for Media Literacy, Los Angeles, CA, U.S.A.